

رابطه بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های منتخب اصفهان*

عباس رجائی آذرخوارانی^۱، سعید رجائی پور^۲، رضا هویدا^۳، فریده موحدی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: امروزه یکی از استراتژی‌های مهم برای استقرار و کاربست مدیریت دانش در سازمان‌ها، فرآیند تسهیم دانش می‌باشد. لذا سازمان‌ها خصوصاً دانشگاه‌ها که از مراکز مهم اشاعه دانش به شمار می‌روند با دستیابی به این قابلیت تسهیم دانش می‌توانند، بهبود کیفیت علمی خود را تضمین کنند. هدف از این پژوهش، تعیین رابطه بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های منتخب اصفهان بود.

روش بررسی: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه‌های اصفهان (۵۹۳ نفر)، علوم پزشکی اصفهان (۶۴۳ نفر) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (۲۳۶ نفر) در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ خورشیدی جمعاً به تعداد ۱۴۷۲ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم، تعداد ۱۷۷ نفر انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه تسهیم دانش با ۱۰ سؤال و پرسشنامه بهبود کیفیت علمی با ۳۰ سؤال با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت بود. روایی پرسشنامه‌ها به صورت محتوایی، صوری و سازه مورد تأیید قرار گرفت و ضرایب پایایی آنها با استفاده از Cronbach's alpha به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۹۵ محاسبه گردید. داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS نسخه ۱۶ و Amos نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p > 0/01$)، هم‌چنین بین مؤلفه‌های تسهیم دانش با تمام مؤلفه‌های بهبود کیفیت علمی رابطه مثبت و معناداری وجود داشت ($p > 0/01$). نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نشان داد که تسهیم دانش تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود کیفیت علمی دارد و میزان تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی برابر با مقدار برآورد شده استاندارد ۰/۶۰ محاسبه گردید. به عبارت دیگر تسهیم دانش ۳۵ درصد از واریانس بهبود کیفیت علمی را پیش‌بینی و تبیین می‌کند.

نتیجه‌گیری: دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با استقرار و کاربست فرهنگ تسهیم دانش می‌توانند بهبود کیفیت علمی خود را تضمین کرده و آن را ارتقا ببخشند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت دانش؛ بهبود کیفیت؛ دانشگاه‌ها.

پذیرش مقاله: ۹۳/۱/۱۶

اصلاح نهایی: ۹۲/۱۱/۲

دریافت مقاله: ۹۲/۱/۱۹

ارجاع: رجائی آذرخوارانی عباس، رجائی پور سعید، هویدا رضا، موحدی فریده. **رابطه بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های منتخب اصفهان.** مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۳؛ ۱۱(۶): ۷۶۰-۷۶۹.

*- این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی به شماره ۲۹۲۱۹۲ با حمایت معاونت پژوهشی دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بوده است.

۱- کارشناس ارشد، مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشیار، مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۳- استادیار، مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۴- کارشناس ارشد، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول) Email: faride_movahedi@yahoo.com

مقدمه

سازمان‌ها با دستیابی به قابلیت تسهیم دانش می‌توانند، بهبود کیفیت خود را تضمین کنند. برنامه بهبود کیفیت علمی (Academic Quality Improvement Program) شکل جدید و پیشرفته‌ای از الگوی اعتباربخشی است که به منظور کمک به آموزش عالی و ارزیابی کیفیت برنامه‌ها و خدمات طراحی شده تا موفقیت دانشگاه را تضمین کند (۶). این مدل برای اولین بار توسط انجمن مرکزی شمال (North Central Association) توسعه داده شد و براساس ترکیبی از اصول کیفیت عملکرد، بهبود فرآیندها و تئوری مدیریت کیفیت جامع می‌باشد (۷). این مدل شامل ۹ مؤلفه به منظور خود ارزیابی، تمرکز بر بهبود و تولید نتایج و محصولات می‌باشد که عبارتند از: ۱- کمک به یادگیری دانشجویان (Helping Students Learn): تمرکز بر طراحی، توسعه و اثربخشی فرآیندهای یاددهی-یادگیری. ۲- تحقق اهداف عینی (Accomplishing Other Distinctive Objectives): مشارکت به منظور هدف‌های اصلی، انجام رسالت‌ها و متمایز شدن سازمان از سایر مؤسسات آموزشی. ۳- درک نیازهای دانش‌جویان و سایر ذینفعان (Understanding Students' and Other Stakeholders' Needs): ارزیابی اثربخش کارکردهای سازمان به منظور درک نیازهای دانشجویان و سایر ذینفعان. ۴- ارزش قایل شدن برای افراد (Valuing People): ارزش قائل شدن برای افراد از طریق متعهد کردن سازمان به منظور رشد اعضای هیأت علمی، کارمندان و مدیران. ۵- رهبری و ارتباطات (Leading and Communicating): تنظیم کردن سلسله دستورات جهت تصمیم‌گیری و جستجوی فرصت‌های آینده و هم‌چنین انجام اقدامات مربوط به ارتباط برقرار کردن با ذینفعان داخلی و خارجی. ۶- حمایت از فعالیت‌های سازمان (supporting institutional operations): فراهم کردن محیطی جهت پیشرفت و ترقی بیشتر یادگیری. ۷- اندازه‌گیری اثربخشی (Measuring Effectiveness): ارزیابی داده‌ها، اطلاعات و دانش گردآوری شده، تحلیل شده و تسهیم شده و مدیریت آنها به

سازمان‌ها به منظور حفظ پویایی و بقای خود در جریان تغییر و تحولات محیطی و پیشرفت‌های وسیع، به دانش به عنوان یک منبع استراتژیک نگاه می‌کنند، چرا که این دارایی مهم می‌تواند سازمان‌ها را بیش از پیش انعطاف‌پذیر کرده به طوری که بتوانند در شرایط چالش‌انگیز محیطی، اهداف استراتژیک خود را محقق کنند. دانشگاه‌ها به عنوان متولی تولید و تسهیم دانش نقشی کلیدی در زمینه اشاعه فرهنگ و ساختار تسهیم دانش در بخش‌های دولتی و خصوصی را به عهده دارند. در حقیقت، دانشگاه‌ها بازتاب پیشرفت دانش محور کشور و توانمندی آن در مدیریت سرمایه‌های انسانی، رشد و تعالی آنها هستند (۱).

تسهیم دانش فرآیندی مهم در سازمان‌ها محسوب می‌شود زیرا از طریق آن ایده‌ها و فرصت‌های جدیدی از طریق اجتماعی ساختن و تبدیل افراد به کارکنان دانشی به وجود می‌آید (۲).

فرهنگ تسهیم دانش براساس اعتماد ایجاد می‌شود. به عبارت روشن‌تر، اعتماد برای اطلاع‌رسانی، مشارکت دادن و ترغیب افراد سازمانی در طی تغییرات سازمانی مورد نیاز ضروری است.

فرهنگ تسهیم دانش، فرهنگی است که در آن تسهیم دانش هنجار است نه استثنا و افراد به خاطر کار کردن با یکدیگر، همکاری و تسهیم دانش، پاداش دریافت می‌کنند (۳). تسهیم دانش فرآیندی است که در آن افراد به طور متقابل دانش و تجربیات خود را با یکدیگر مبادله کرده و در نهایت به صورت مشترک دانش جدیدی را بوجود می‌آورند (۴).

Van den Hooff و Van Weenen فرآیند تسهیم دانش را به دو مؤلفه اساسی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

۱- اهدای دانش (Knowledge Donating): انتقال سرمایه فکری یک شخص توسط خودش به شخص دیگر. ۲- گردآوری دانش (Knowledge Collecting): افراد به صورت فعال، به همکاران خود مراجعه کرده تا آنچه را که آنان می‌دانند را یاد بگیرند (۵).

منظور عملکرد بهتر سازمان. ۸- برنامه‌ریزی برای بهبود مستمر (Planning Continuous Improvement): ارزیابی فرآیندهای مربوط به برنامه‌ریزی در سازمان و تحقق رسالت‌ها و بینش سازمان از طریق انجام برنامه‌های عملیاتی و استراتژیکی. ۹- ایجاد روابط مبتنی بر همکاری (Building Collaborative Relationships): ارزیابی ارتباطات جاری و بالقوه سازمان به منظور مشارکت برای تحقق رسالت‌ها (۸).

سرلک و اسلامی پژوهشی با «عنوان تسهیم دانش در دانشگاه صنعتی شریف با رویکرد سرمایه اجتماعی» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که دو عنصر وجه ساختاری (اهمیت به سازمان و پاداش)، یک عنصر از وجه فاعلیت (تسخیر احساس‌ها) و یک عنصر از وجه رابطه‌ای (ابراز شایستگی) تأثیر معناداری را بر تسهیم دانش کارکنان دارند اما تأثیر نوع دوستی و بلند نظری معنادار نیست و ابعاد سرمایه اجتماعی در این پژوهش توانستند ۲۷ درصد از تغییرهای مربوط به رفتار تسهیم دانش را پیش‌بینی کنند (۹).

هویدا در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده و بهبود کیفیت آموزش در دانشگاه‌های استان اصفهان» بیان کردند بین نمرات مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده و نمرات بهبود کیفیت آموزش همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج دیگر نشان داد که میزان کاربست مؤلفه‌های سازمان یادگیرنده به جز یک مؤلفه در بقیه مؤلفه‌ها کمتر از میانگین فرضی ۳ و این میزان در دانشگاه‌های گروه نمونه متفاوت است. همچنین میزان بهبود کیفیت آموزش کمتر از میانگین فرضی ۳ و در دانشگاه‌های گروه نمونه متفاوت است (۱۰).

Neefe در پژوهش خود با «عنوان مقایسه سطوح بلوغ یادگیری سازمانی کالج‌ها و دانشگاه‌های استفاده کننده از برنامه بهبود کیفیت علمی (AQIP)» بیان کرد دانشگاه‌هایی که از برنامه بهبود کیفیت علمی استفاده می‌کنند در سه حیطة فرهنگ سازمانی، یادگیری و کار تیمی و تفکر سیستمی، بلوغ بیشتری نسبت به دانشگاه‌هایی دارند که از فرآیندهای

اعتباربخشی سنتی استفاده می‌کنند و در کل سطوح بلوغ یادگیری سازمانی آنها بیشتر است (۱۱).

Ooi و همکارانش در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین رویه‌های مدیریت کیفیت جامع و تسهیم دانش در بین ۱۲۹ نفر از کارکنان مدیریت میانی سازمان‌های صنعتی مالزی» بیان کردند که آموزش و توسعه، تمرکز بر مشتری و تیم‌های کاری ارتباط مثبتی با تسهیم دانش کارکنان مدیریت میانی دارند (۱۲).

Tan و همکارانش تحقیقی با عنوان «ارزیابی رابطه بین ابعاد کیفیت خدمات و تسهیم دانش از دیدگاه دانشجویان» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که ارزیابی‌های دانشجویان در مورد کیفیت خدمات بر فعالیت‌های مربوط به تسهیم دانش تأثیر می‌گذارد همچنین نتایج نشان دادند که ابعاد کیفیت یعنی تضمین و اعتماد ارتباط بسیار معناداری با تسهیم دانش دارند (۱۳).

Brua-Behrens در پژوهشی با عنوان «برنامه بهبود کیفیت علمی (AQIP)، چارچوب جدیدی براس اعتبار بخشی در ناحیه آموزشی کالج‌های آیوای شرقی» بیان کردند بیشتر مدیران، اعضای هیأت علمی معتقدند که برنامه بهبود کیفیت علمی (AQIP) نسبت به شیوه‌های سنتی اعتباربخشی برای فرهنگ دانشگاهی مناسب‌تر است ولی آنان در زمینه سطح مشارکت افراد در این شیوه اعتباربخشی با یکدیگر توافق نظر نداشتند (۶).

در این پژوهش برای مطالعه تسهیم دانش از مدل Van den Hooff و Van Ween (۵) که شامل مؤلفه‌های اهدای دانش و گردآوری دانش می‌باشد و برای مطالعه بهبود کیفیت علمی از Academic Quality Improvement Program (۷) کمسیون عالی یادگیری در انجمن مرکزی شمال استفاده می‌شود و در آن بهبود کیفیت علمی شامل مؤلفه‌های کمک به یادگیری دانشجویان، درک نیازهای دانشجویان، ارزش قایل شدن برای افراد، رهبری و ارتباطات و حمایت از فعالیت‌های سازمان می‌داند- لذا در این پژوهش به تعیین رابطه تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی از دیدگاه

اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های منتخب اصفهان پرداخته شده است.

روش بررسی

نوع این پژوهش کاربردی و روش آن توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه‌های اصفهان (۵۹۳ نفر)، علوم پزشکی اصفهان (۶۴۳ نفر) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (۲۳۶ نفر) در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ خورشیدی جمعاً به تعداد ۱۴۷۲ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی متناسب با حجم، تعداد ۱۷۷ نفر به تفکیک در دانشگاه اصفهان (۷۱ نفر)، علوم پزشکی اصفهان (۷۸ نفر) و آزاد اسلامی واحد خوراسگان (۲۸ نفر) به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند علت انتخاب این سه دانشگاه، ماهیت متفاوت برنامه‌ها و رسالت‌های متفاوت آنها و نیز سهولت دسترسی به آنها بود و حدس زده می‌شد که اعضای هیأت علمی آنها دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص متغیرهای مورد بررسی داشته باشند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه تسهیم دانش Van و Van den Hooff Ween (۵) با ۱۰ سؤال، مشتمل بر ۲ مؤلفه (اهدای دانش و گردآوری دانش) و پرسش‌نامه بهبود کیفیت علمی بر اساس مدل برنامه بهبود کیفیت علمی (AQIP) (۷) با ۳۰ سؤال، مشتمل بر پنج مؤلفه (کمک به یادگیری دانشجویان، درک نیازهای دانشجویان، ارزش قائل شدن برای افراد، رهبری و ارتباطات و حمایت از فعالیت‌های سازمان) با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت بود. برای تعیین روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها از نظرات متخصصین رشته‌های مدیریت، مدیریت آموزشی، مدیریت آموزشی عالی و علوم تربیتی بهره گرفته شد و برای تعیین روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد (یکی از روش‌های بررسی روایی، تحلیل عاملی است که نقش مهمی در شناسایی متغیرهای پنهان و یا همان عامل‌ها از طریق متغیرهای مشاهده شده دارد). بدین منظور برای بررسی روایی سازه با توجه به وجود اجزای متعدد در مدل نظری تدوین شده، پژوهشگران باید قبل از برآورد و آزمون مدل تدوین شده، ابتدا مدل‌های اندازه‌گیری مورد نظر در مدل پژوهش را برآورد کرده و آزمون کنند. چون که

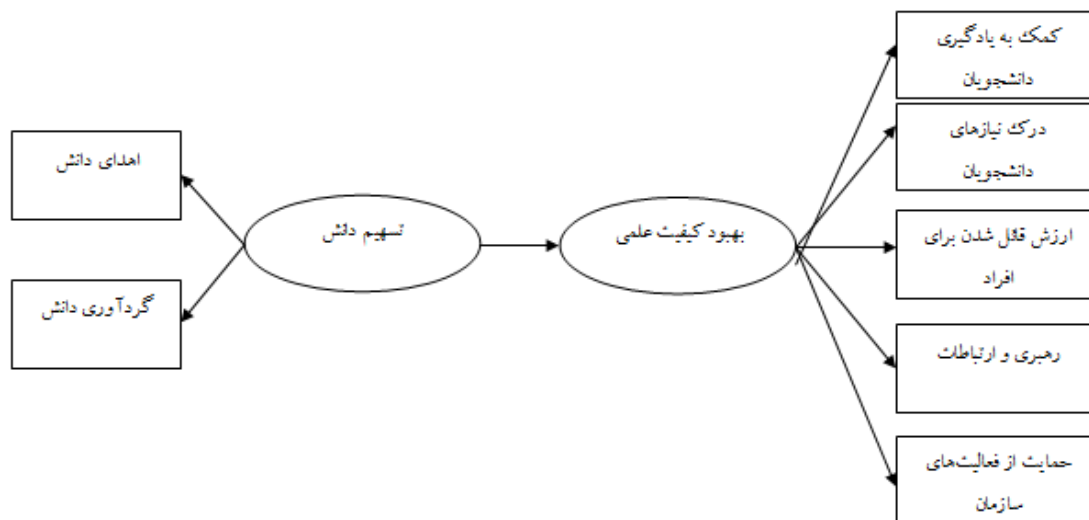
بررسی روابط ساختاری بین متغیرهای پنهان زمانی منطقی‌تر خواهد بود که اندازه‌گیری آن سازه‌های پنهان با توجه به معیارهای علمی قابل قبول باشند. در واقع وجود شاخص‌های برازش کلی ضعیف برای هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری به معنای آن است که ورود آن مدل اندازه‌گیری به مدل معادله ساختاری می‌تواند پژوهشگر را در تحلیل روابط ساختاری بین متغیرهای پنهان با مشکل مواجه سازد (۱۴). بنابراین قبل از بررسی مدل معادلات ساختاری باید مدل‌های عاملی تأییدی مورد آزمون قرار گرفته و در صورت تأیید وارد مدل معادله ساختاری گردد.

بر این اساس به منظور بررسی قابل قبول بودن مدل‌های اندازه‌گیری جهت ورود به مدل معادله ساختاری، ابتدا مدل اندازه‌گیری هر یک از مؤلفه‌های تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی به صورت جداگانه مورد آزمون قرار گرفتند با توجه به نتایج بدست آمده می‌توان بیان کرد که الگوهای اندازه‌گیری (متغیرهای مورد مشاهده) از برازش خوبی برخوردار هستند و به عبارتی شاخص‌های کلی این مطلب را تأیید می‌کنند که داده‌ها به خوبی از الگوهای اندازه‌گیری حمایت می‌کنند و متغیرهای مورد مشاهده شده به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند. علاوه بر این، به دلیل وجود بارهای عاملی معنادار و مقدار P جزئی کمتر از ۰/۰۵ برای همه سؤالات پرسش‌نامه، بر مورد تأیید بودن سؤالات از لحاظ روایی سازه دلالت دارد.

برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از فرمول ضریب Cronbach's alpha استفاده گردید، به طوری که پایایی پرسش‌نامه تسهیم دانش ۰/۸۷ و ضرایب ابعاد آن به ترتیب در بعد اهدای دانش (۰/۸۴) و بعد گردآوری دانش (۰/۸۶) حاصل شده است و این ضریب برای پرسش‌نامه بهبود کیفیت علمی ۰/۹۵ و ضرایب آن به ترتیب در بعد کمک به یادگیری دانشجویان (۰/۹۲)، بعد درک نیازهای دانشجویان (۰/۸۹)، بعد ارزش قائل شدن برای افراد (۰/۷۸)، بعد رهبری و ارتباطات (۰/۸۳) و بعد حمایت از فعالیت‌های سازمان (۰/۸۷) محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی از آماره‌های فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از تحلیل عاملی تأییدی، ضریب همبستگی

گرفته از مبانی نظری ارایه شده در زمینه تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی می‌باشد. مطابق شکل ۱ در این پژوهش فرض شده که تسهیم دانش با بهبود کیفیت علمی تأثیر مستقیم دارند.

پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۱۶ و Amos استفاده شد. شکل ۱ نشان دهنده الگوی مفهومی پژوهش و نشأت



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش

وجود رابطه بین مؤلفه‌های تسهیم دانش و تک تک مؤلفه‌های بهبود کیفیت علمی، با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. همچنین مقادیر مثبت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که با افزایش گردآوری دانش، تک تک مؤلفه‌های بهبود کیفیت علمی نیز افزایش پیدا می‌کنند.

برای بررسی تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی در دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، از مدل معادله ساختاری استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی تأییدی و بررسی روایی سازه پرسش‌نامه‌ها، الگوهای اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار بودند و به عبارتی شاخص‌های کلی این مورد را که داده‌ها به خوبی از الگوها حمایت می‌کنند، تأیید کردند. پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری در گام اول، در گام دوم از مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها

نتایج یافته‌های جدول ۱ نشان داد که از میان متغیرهای پژوهش، میانگین (انحراف معیار) نمره تسهیم دانش $3/55$ ($0/597$) بیشترین بوده و میانگین (انحراف معیار) نمره بهبود کیفیت علمی $2/89$ ($0/62$) به عنوان کمترین نمره به دست آمد. با توجه به جدول ۱، براساس سطح معنی‌داری (کمتر از $0/01$)، وجود رابطه بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی، با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌شود. همچنین مقادیر مثبت ضریب همبستگی نشان می‌دهد که با افزایش تسهیم دانش، بهبود کیفیت علمی نیز افزایش پیدا می‌کند. نتایج دیگر جدول ۱ نشان داد که از میان مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش، میانگین (انحراف معیار) نمره مؤلفه گردآوری دانش $3/68$ ($0/639$) بیشترین بوده و میانگین (انحراف معیار) نمره مؤلفه رهبری و ارتباطات $2/70$ ($0/694$) به عنوان کمترین نمره به دست آمد. با توجه به یافته‌ها، براساس سطح معنی‌داری (کمتر از $0/01$)،

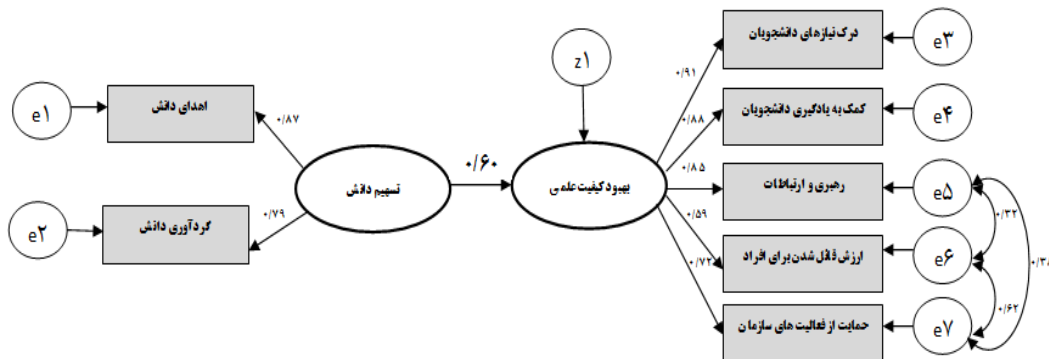
جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آنها

متغیرهای اصلی		میانگین	انحراف معیار	۱	۲				
۱- تسهیم دانش = KS		۳/۵۵	۰/۵۹۷	۱/۰۰					
۲- بهبود کیفیت علمی = AQI		۲/۸۹	۰/۴۶۵**	۰/۴۶۵**	۱/۰۰				
مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- اهدای دانش	۳/۴۲	۰/۶۵۹	۱/۰۰						
۲- گردآوری دانش	۳/۶۸	۰/۶۳۹	۰/۶۹۳**	۱/۰۰					
۳- کمک به یادگیری دانشجویان	۳/۰۹	۰/۷۶۳	۰/۴۲۵**	۰/۳۶۱**	۱/۰۰				
۴- درک نیازهای دانشجویان	۲/۹۰	۰/۷۶۱	۰/۵۲۴**	۰/۴۸۴**	۰/۸۰۱**	۱/۰۰			
۵- ارزش قائل شدن برای افراد	۲/۷۲	۰/۶۹۱	۰/۲۵۱**	۰/۲۳۰**	۰/۵۶۹**	۰/۵۰۶**	۱/۰۰		
۶- رهبری و ارتباطات	۲/۷۰	۰/۶۹۴	۰/۴۰۳**	۰/۳۹۴**	۰/۷۶۳**	۰/۷۶۱**	۰/۶۳۶**	۱/۰۰	
۷- حمایت از فعالیت‌های سازمان	۳/۰۲	۰/۶۷۲	۰/۳۱۱**	۰/۲۸۳**	۰/۶۶۲**	۰/۶۴۶**	۰/۷۷۱**	۰/۷۵۱**	۱/۰۰

n = ۱۷۵. **Significant at $p < ۰/۰۱$

ساختاری مدل تدوین شده مورد ارزیابی قرار داده است. معیارهای برازش جزئی مدل تدوین شده در شکل ۲ بیان گردیده است. شکل ۲ نشان‌دهنده آن است که شاخص‌های برازش جزئی (نسبت بحرانی و سطح معنی‌داری) در سطح قابل قبولی بوده و کلیه بارهای عاملی دارای تفاوت معناداری با صفر می‌باشند. علاوه بر این p محاسبه شده برای تمامی روابط موجود در مدل کمتر از ۵ درصد محاسبه گردیده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، مدل از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار می‌باشد. همچنین برای بررسی تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی، با استناد به شکل ۲ می‌توان استنتاج نمود که تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی اثر مستقیم و معناداری داشته و میزان تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی برابر با مقدار برآورد شده استاندارد ۰/۶۰ محاسبه گردیده است.

شکل ۲ مدل معادله ساختاری جهت تبیین تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی را به نمایش می‌گذارد. قبل از هرگونه اظهار نظر در مورد بررسی تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی، لازم است شاخص‌های برازش کلی و جزئی مدل مورد بررسی قرار گیرد، در ابتدا به بررسی شاخص‌های برازش کلی مدل تدوین شده پرداخته می‌شود. جدول ۲ نتایج شاخص‌های برازش کلی مدل تدوین شده را ارائه می‌کند. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمامی شاخص‌ها در محدوده مناسب قرار دارند و برازش کلی مدل تایید می‌گردد. به عبارت دیگر مقادیر شاخص‌های برازش کلی نشان می‌دهد داده‌های تجربی گردآوری شده در این پژوهش، مدل نظری را تایید می‌کند. در مرحله بعد شاخص‌های برازش جزئی را نیز مورد بررسی قرار گرفته است. شکل ۲ بارهای عاملی و ضرایب



شکل ۲. مدل معادله ساختاری (مدل نهایی) جهت بررسی تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی به همراه وزن‌های رگرسیونی

جدول ۲: شاخص های برازش کلی مدل تدوین شده

شاخص	معادل فارسی شاخص	مدل تدوین شده	برازش قابل قبول
GFI	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۷۵	> ۰/۹۰
AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۲۹	> ۰/۹۰
P-Value	سطح معناداری	۰/۱۱۹	وابسته به حجم نمونه
TLI	شاخص توکر-لویس	۰/۹۸۶	> ۰/۹۰
NFI	شاخص برازش هنجار شده	۰/۹۸۲	> ۰/۹۰
CFI	شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۹۴	> ۰/۹۰
IFI	شاخص برازش افزایشی	۰/۹۹۴	> ۰/۹۰
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	۰/۰۵۶	< ۰/۰۸
CMIN/DF	کای اسکوئر بهنجار شده	۱/۵۳۷	< ۳

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که بین مؤلفه‌های تسهیم دانش (اهدای دانش و گردآوری دانش) با تک تک مؤلفه‌های بهبود کیفیت علمی (کمک به یادگیری دانشجویان، درک نیازهای دانشجویان، ارزش قائل شدن برای افراد، رهبری و ارتباطات و حمایت از فعالیت‌های سازمان) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، به عبارتی دیگر وجود ارتباط بین مؤلفه‌های تسهیم دانش و مؤلفه‌های بهبود کیفیت علمی با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. علاوه بر این نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که از میان مؤلفه‌های متغیرهای پژوهش، میانگین (انحراف معیار) نمره مؤلفه گردآوری دانش ۳/۶۸ (۰/۶۳۹) بیشترین بوده و میانگین (انحراف معیار) نمره مؤلفه رهبری و ارتباطات ۲/۷۰ (۰/۶۹۴) به عنوان کمترین نمره به دست آمد. این یافته با نتایج مطالعه Wang و Wang (۱۶) و Kamasak و Bulutlar (۱۷) همسو می‌باشد.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نشان داد که شاخص برازش کلی و جزئی مدل تدوین شده در سطح قابل قبولی هستند، بنابراین مدل تدوین شده از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار می‌باشد.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد که تسهیم دانش تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود کیفیت علمی دارد و میزان تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی برابر با مقدار برآورد شده استاندارد ۰/۶۰ محاسبه گردیده است. به عبارت دیگر تسهیم

بحث

تسهیم دانش از جمله مباحثی است که می‌تواند بر ذخیره دانش سازمان افزوده و باعث تسهیل در عملکردهای سازمانی شود. تسهیم دانش قابلیت مهم و کلیدی در سازمان محسوب می‌شود. از یک طرف تسهیم دانش در سازمان باعث می‌گردد تا دانش پنهان و تجربیات ارزنده افراد به یکدیگر منتقل شود و از طرف دیگر تسهیم دانش بین افراد در سازمان باعث می‌گردد تا دانش جدید و ارزشمندی خلق شود. در نهایت این قابلیت کلیدی باعث ارتقا و استقرار فرهنگ کیفیت مداری در سازمان می‌گردد. بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی تبیین مدل معادله ساختاری تأثیر تسهیم دانش بر بهبود کیفیت علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و آزاد اسلامی واحد خوراسگان پرداخت.

نتایج پژوهش نشان داد که بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی از دیدگاه اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و آزاد اسلامی واحد خوراسگان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، به عبارتی دیگر وجود ارتباط بین تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی با ۹۹ درصد اطمینان تأیید می‌گردد. این یافته با مطالعه Lin (۱۵) همسو می‌باشد. علاوه بر این نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که میانگین تسهیم دانش ۳/۵۵، و میانگین بهبود کیفیت علمی ۲/۸۹ بدست آمد.

پیشنهادهای

۱- پیشنهاد می‌شود که مدیران آموزش عالی با استقرار فرهنگ تسهیم دانش در لایه‌های مختلف مدیریتی و از همه مهمتر در بین اساتید و دانشجویان، زمینه بهبود کیفیت علمی را در دانشگاه فراهم کنند.

۲- پیشنهاد می‌شود تا در موقع استخدام اساتید به عنوان عضو هیأت علمی، رفتار تسهیم دانش آنان مدنظر قرار گیرد و بیشتر افرادی را انتخاب کنند که اشتیاق زیادی به اهدای دانش خود با دیگران، خصوصاً با دانشجویان داشته باشند.

۳- پیشنهاد می‌شود تا یک سیستم جدید پاداش‌دهی مبنی بر تشویق اساتیدی که بیشتر به گردآوری دانش می‌پردازند در نظر گرفته شود و گردآوری دانش به عنوان یکی از ارزش‌ها و استراتژی‌های کلیدی در فرهنگ سازمانی دانشگاه در نظر گرفته شود.

۴- پیشنهاد می‌شود تا مسؤولین دانشگاهی راهکارهایی را به منظور از بین بردن موانع تسهیم و قابلیت جذب دانش در بین اساتید و دانشجویان ارائه دهند. لازم است تا به همه افرادی که نیازمند دانش می‌باشند دسترسی به منابع مختلف داخلی و خارجی دانش فراهم گردد.

۵- شرایطی فراهم گردد تا اعضای هیأت علمی خود را در ارائه اطلاعات و تسهیم تجربیات خود با دانشجویان پیش قدم دانسته و این احساس به آنان دست ندهد که برخورداری از دانش قدرت است بلکه آنان باید بر این امر باور و اعتقاد داشته باشند که تسهیم کردن دانش و تجربیات خود با دیگران به ویژه دانشجویان، قدرت محسوب می‌شود.

دانش ۳۵ درصد از واریانس بهبود کیفیت علمی را پیش بینی و تبیین می‌کند. این یافته با مطالعه Lin (۱۵)، Wang و Wang (۱۶) و Bulutlar و Kamasak (۱۷) همسو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعات نظری صورت گرفته و ادبیات پژوهش نشان از وجود ارتباط بین متغیرهای تسهیم دانش و بهبود کیفیت علمی دارد. برازش مدل تدوین شده براساس داده‌ها هم این ارتباط را منطقی ارزیابی کرده است. با توجه به اینکه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، عمده‌ترین مراکز تولید و اشاعه دانش هستند و از طرفی مهیا کننده نیروی انسانی نخبه برای دیگر سازمان‌های دانایی محور محسوب می‌گردند.

لذا لازم است تا به منظور ارتقا و بهبود کیفیت علمی در چنین سازمان‌های ارزشمندی، به استقرار استراتژی‌های مربوط به تسهیم دانش پرداخته شده و برای آن برنامه‌ریزی‌های منسجمی صورت گیرد. البته لازمه و پیش زمینه تجهیز دانشگاه به قابلیت تسهیم دانش، وجود ساختاری برای ایجاد فرهنگ تسهیم دانش در فرهنگ سازمانی دانشگاه است.

در نهایت با فراهم کردن چنین شرایطی در محیط دانشگاه خود به خود بهبود کیفیت علمی در دانشگاه ارتقا یافته و فرهنگ کیفیت مداری در دانشگاه هم به دنبال آن شکل خواهد گرفت. در مجموع یافته‌های پژوهش نشان داد که تسهیم دانش تأثیر مثبت و معناداری بر بهبود کیفیت علمی دارد.

References

1. Sohrabi Yurtchi B, Raeesi Vanani I, Shafia S. An applied model for measuring the knowledge sharing capability (An evaluation of Public Universities in Tehran). Information Sciences & Technology 2010; 26 (1): 5-28. [In Persian]
2. Grant RM. Toward a knowledge-based view of the firm. Strategic Management Journal 1996; 17(S2): 109-22.
3. Ghlichlee B. Knowledge Management: A process of Intellectual Capital Creation, Sharing and Application in Business. Tehran: Samt Publication; 2009. [In Persian]
4. Van den Hooff B, de Ridder J. Knowledge sharing in context: the influence of organizational commitment, communication climate and CMC use on knowledge sharing. Journal of Knowledge Management 2004; 8(6): 117-30.
5. Van den Hooff B, Van Weenen F. Committed to share: Commitment and CMC use as antecedents of knowledge sharing. Knowledge and Process Management 2004; 11(11): 13-24.

6. Brua-Behrens NS. Academic Quality Improvement Project (AQIP), a New Form of Accreditation at Eastern Iowa Community College District: A Qualitative Analysis. [Thesis]. Austin: University of Texas at Austin; 2003.
7. Higher Learning Commission. Handbook of accreditation. Chicago: Senior College and University Commission; 2003.
8. The Higher Learning Commission. Academic Quality Improvement Project (AQIP). [On Line]. 2012; Available from: URL: <http://www.aqip.org>.
9. Sarlak MA, Eslami T. Knowledge Sharing in Sharif University of Technology: Social Capital Approach. Iranian Public Administration 2011; 3(8): 1-18. [In Persian]
10. Hovaida R . A study of relationship between learning organization indices and academic quality improvement in public university of Isfahan province [Thesis]. Isfahan, Iran: The University of Isfahan; 2007. [In Persian]
11. Neef DO. Comparing levels of organizational learning maturity of colleges and universities participating in traditional and nontraditional (Academic Quality Improvement project) accreditation process. [Thesis]. Wisconsin – Stout: University of Wisconsin stout Menomonie; 2001.
12. Ooi KB, Cheah WC, Lin B, Teh PL .TQM practices and knowledge sharing: An empirical study of Malaysia’s manufacturing organizations. Asia Pacific Journal of Management is currently edited by David Ahlstrom 2012; 11(11): 13-24.
13. Tan BI, Wong CH, Lam CH, Ooi KB, Ng CY. Assessing the link between Service Quality Dimensions and Knowledge Sharing: Student Perspective. African Journal of Business Management 2010; 4(6): 1014-22.
14. Ghasemi V. Structural Equation Modeling in Social Researches using Amos Graphics. Tehran: Jammeshenasan Publication; 2010. [In Persian]
15. Lin HF. Knowledge sharing and firm innovation capability: an empirical study. International Journal of Manpower 2007; 28 (3): 315- 32.
16. Wang Z. Wang N. Knowledge sharing, innovation and firm performance. Expert Systems with Applications 2012; 1:8899-08.
17. Kamasak R. Bulutlar F. The influence of knowledge sharing on innovation. European Business Review 2009; 22(3): 306-17.

The Relationship between Knowledge Sharing and Academic Quality Improvement from the Viewpoints of Faculty Members at Isfahan Selected Universities*

Abbas Rajaei Azarkhavarani¹, Saeed Rajaeepour², Reza Hoveida³, Farideh Movahedi⁴

Original Article

Abstract

Introduction: Today, process of knowledge sharing is one of the most important strategies for the development and deployment of knowledge management in organizations. Universities and centers of higher education as the most important knowledge-based organizations can improve their academic quality by achieving this important capability, i.e. knowledge sharing. The purpose of this research was to evaluate the structural equation modeling of knowledge sharing upon academic quality improvement from the viewpoints of faculty members at Isfahan selected Universities, Iran.

Methods: The research method was descriptive and co relational type. The statistical population consisted of 1472 faculty members of Isfahan selected Universities from which a sample size of 177 was chosen through stratified random sampling. In order to collect data, the 10-item knowledge sharing questionnaire and a 30-item academic quality improvement questionnaire were used. The questionnaires validity was confirmed through confirmatory factor analysis and their Cronbach alpha coefficient was estimated 0.87 and 0.95 respectively. The analysis of data with using of SPSS16 and Amos18 software were performed.

Results: The findings (correlation coefficient) revealed that there is a positive and significant relationship between knowledge sharing and academic quality improvement ($p > 0.01$). Also there is positive and significant relationship between knowledge sharing (knowledge donating and knowledge collecting) and academic quality improvement components ($p > 0.01$). The results from a structural equation modeling approach show that Knowledge sharing has a positive and significant impact on academic quality improvement. In other words, knowledge sharing predicts and explains %35 of academic quality improvement variance.

Conclusion: Universities and centers of higher education can assure and advance their academic quality improvement by development and deployment of knowledge sharing culture.

Keywords: Knowledge Management; Quality Improvement; Universities.

Received: 8 Apr, 2013

Accepted: 5 Apr, 2014

Citation: Rajaei Azarkhavarani A, Rajaeepour S, Hoveida R, Movahedi F. **The Relationship between Knowledge Sharing and Academic Quality Improvement from the Viewpoints of Faculty Members at Isfahan Selected Universities.** Health Inf Manage 2015; 11(6):769.

*- This article was extracted from a research project No 292192 funded by Isfahan University of Medical Sciences

1 - MSc, Educational Administration, School of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2 - Associate Professor, Higher Education, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

3- Assistant Professor, Educational Administration, School of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

4- MA, Knowledge and Information Sciences, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

Email: faride_movahedi@yahoo.com